

میدون و سوفیا

تو کشور شما چی اضافه است؟



✎ **پوریا عالمی**

حالا گوش کن بین چه اتفاقی برام افتاد دیروز، سوفیا.

من به‌عنوان مسئول امور غیرمهم با مسئولان کشورهای مختلف جهان، سوار هواپیما بودم که هواپیما یک مشکل فنی پیدا کرد و داشتیم سقوط می‌کردیم که کاپیتان توی بلندگو گفت: مسئولان عزیز! داریم سقوط می‌کنیم... هر کسی هر چیز اضافه‌ای داره پایین بندازه تا سقوط نکنیم!

آقا اول از همه مسئولان جهان شروع کردند به چی‌زدن! و گفتند: ما عادت نداریم خودمان سقوط کنیم! ما عادت داریم همیشه هر اتفاقی افتاد، با مردم ابراز همدردی کنیم! کاپیتان داد زد: لغشت ندیدا! بارهای اضافه‌تون رو بندازید پایین.

و نزنو!لا مخالف‌ها را ریخت پایین و گفت: ما توی کشورما مخالف زیاد داریم!

ترامپ پا شد اسلحه‌ها رو ریخت پایین و گفت اسلحه تو کشور من زیاده!

مسئولان جهان جیغ زدند: چرا انداختی بیرون؟ ما بدون اسلحه احساس ناامنی می‌کنیم، حتی اگه در حال سقوط باشیم!

هند درخت‌ها را انداخت پایین و گفت: ما توی بالیوود درخت زیاد داریم.

احمدی‌نژاد زد زیر گریه و گفت: اون درخت نبود که انداختی پایین! رحیم‌شاهی بود که اعلام درخت کرده!

یک آقاایی پا شد آقازاده را ریخت پایین و گفت: ما آقازاده توی کشورمون زیاد داریم!

این وسط یکهو عراقچی پا شد گفت: اگه آمریکا ما رو تحریم کنه، ما چاره‌ای نداریم جز اینکه افغانستانی‌ها را از کشور بیرون کنیم.

سوفیا اینجا پرید وسط حرقم و گفت: خب؟ تو چی‌کار کردی میدون دوم؟

گفتم: من؟ من، هیچی! دیدم چیزی که ما توی ایران زیاد داریم مدیر مسئوله! من هم پیشنهاد دادم هرچی مدیر مسئول توی هواپیما هست بریزیم پایین!

واکنش

تغییر پلاستیکی



● حضور یک زن و شوهر جوان در یکی از برنامه‌های پیش از افطار سبب شد موجی از اعتراض‌ها این بار از سوی رسانه‌های همسو به طرف صدا و سیما سرازیر شود. در شبکه دو و پیش از افطار فصل جدیدی از مجموعه «هزار راه نرفته» پس از ۱۰ سال نشان داده می‌شود در قسمت پنجم زوج جوانی که به ادعای خودشان، از اعتیادشان به شبکه‌های اجتماعی کاسته شده است و دیگر برای هر لایک و هر جمله کوتاه همسرشان با غریبه و آشنا وارد دعوا و مرافعه نمی‌شوند، در این برنامه حضور دارند؛ زوجی که از ظاهر گذشته خود نیز توبه کرده‌اند. قرار است این مجموعه به صورت علمی و با حضور کارشناسان و استادان به موضوعات مربوط به روابط والدین با نوجوانان و تأثیر آن در آینده زندگی مشترک آنها و... برپردازد. اما به نظر می‌رسد در کام‌های نخست دچار اشتباه شده است. زوجی که قرار بود به عنوان الگو معرفی شوند و این را می‌توان با کمی علامت تعجب دربردارش پذیرفت، بلافاصله بعد از برنامه از پارتی مختلط‌شان در اینستاگرام استوری گذاشتند. همین انتشار فیلم و عکس سبب شد بسیاری از رسانه‌های اصولگرا از جوان تا... نسبت به انتخاب این زوج اعتراض داشته باشند و این زوج را تواب پلاستیکی بدانند. از نظر رجا این پست و پست‌های قبلی آن نشان می‌دهد این برنامه شویی تلویزیونی بیش نبوده و صرفاً جنبه تبلیغاتی برای این دو – سلبریتی پلاستیکی – داشته است. البته آن‌طور که در گزارش‌ها آمده، این سؤال مطرح است که چرا تهیه‌کننده، ناظر پخش، سردبیر و مدیرگروه شبکه دو سیما؛ حتی اسم این افراد را در اینستاگرام جست‌وجو نکرده‌اند. این زوج متولد ۷۰ و ۷۶ هستند. جوان هستند و قطعاً جویبای نام. اما نکته و سؤال اصلی این است که چه هدفی از حضور این دو در این برنامه مدنظر تهیه‌کنندگان بود. آیا صدا و سیما قصد داشت این افراد و نظیرشان را تغییر دهد و از خود اصلی‌شان دور کند و زندگی بهتری برایشان پیشنهاد دهد؟ به نظر می‌رسد در این روند موفق نبوده است، حتی در خود این گفت‌وگو هم می‌شود در سفیدخوانی صحبت‌های آنها به‌راحتی دریافت نشی که این دو بازی کردند، چندان باورپذیر نبود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۶ رمضان ۱۴۴۰ • ۱۲ می ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۲۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۰ • اذان صبح فردا ۴:۲۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

روزنامه‌فرو

کارتون خواب



✎ **علی رومانی**

aliromani84@gmail.com



کودک

کلیشه‌هایی که پدر و مادر را شکست می‌دهند

روزنامه‌گاردین در یادداشتی با عنوان «همه چیز خوب پیش می‌رفت تا حادثه لاک ناخن...» به قلم سارا دیتوم به بحث چگونگی شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی



در کودکان پرداخته است. بخش‌هایی از این یادداشت را می‌خوانیم.

یکی از دیدگاه‌هایی که می‌توان به مسئله پدر یا مادربودن داشت، این است که آن را یک شکست مدام و مکرر در نظر بگیریم. برعهده‌گرفتن مسئولیت کامل بزرگ‌کردن و جامعه‌پذیر ساختن یک فرد دیگر از زمان تولد تا بزرگ‌سالی به این معناست که در بعضی مواقع متوجه می‌شوید اقتضاحاتی به بار آورده‌اید. خودتان را دلخوش

نکنید که کاری‌های ارزان و علم پزشکی مدرن به این معنی است که در میان فرزندان شما به احتمال زیاد مرگ‌ومیر کمتری در مقایسه با نسل‌های گذشته اتفاق می‌افتد. این مسئله صرفاً باعث می‌شود زمینه‌های تازه‌ای پیدا شود که کارها را خراب کنید و از دست خودتان ناراحت شوید.

مهارت‌های مادری که در دو کروموزوم ایکس به من به عنوان یک زن به صورت ژنتیکی به ارث رسیده است، معنایش این نیست که عقل و خرد مادرانه هم همراه با آن در ذات من هست. من باید آن را یاد می‌گرفتم و برای این منظور می‌بایست دو بچه می‌داشتم و دو بار کارهای اشتباه انجام می‌دادم. یکی از چیزهایی که رویش تأکید داشتم، این بود که «سوگیری جنسیتی» را به فرزندانم در کودکی تلقین نکنم. قرار بود در خانه من کلیشه‌ای وجود نداشته باشد، مثلاً رنگ صورتی برای دختر یا آبی برای پسر. قرار بود بچه فقط به فردی با شخصیت خود تبدیل شود.

ظاهراً این پروژه بسیار موفق بود، تا آنکه ماجرای لاک ناخن اتفاق افتاد. پسرکم که حدود چهار سال داشت، از من خواست ناخن او را رنگ کنم. چرا نمی‌بایست می‌خواست؟ دیده بود من لاک می‌زنم، از رنگ‌های قشنگ و براق خوشش آمده بود. چرا نباید این کار را می‌کردم؟ من ولی مجبور شدم اصولم را کنار بگذارم و آنجا خط‌کشی کنم. به او کتی با رنگ براق دادم و سعی کردم دلخوری‌اش را نادیده بگیرم. خودم هم دلخور شدم که از اصولم دور شده‌ام. ولی نمی‌توانستم کدهای اجتماعی پسربودن را بشکنم و او را با

در خبر آمده است با قبول پیشنهاد کمیته زنان

انجمن‌های ریاضی ایران، در اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های ریاضی جهان، روز تولد مریم میرزاخانی، اولین زن برنده جایزه فیلدز (۱۲ می، ۲۲ اردیبهشت)، روز زنان در ریاضی نام‌گذاری می‌شود. البته جایزه فیلدز در ریاضی مدت‌هاست برنده دارد، ولی تا قبل از برنده‌شدن مریم میرزاخانی همیشه مردها برنده آن بودند. سؤال مهمی که از نظر مغزپژوهی امروز مطرح می‌شود، این است که چرا تعلق این جایزه بزرگ در ریاضی به یک زن، چون استثنایی بر قاعده می‌شود و اهمیتی بیشتر از همیشه پیدا می‌کند؟ چرا مردهای برنده جایزه فیلدز این‌قدر بر سر زبان‌ها نمی‌افتند و در پیرامون آنها هياهو برپا نمی‌شود؟ اصلاً چرا باید روز جهانی زنان در ریاضیات متفاوت از مردان باشد؟ آیا نوع ریاضی زنان با مردان فرق می‌کند؟ همه این تفاوت و فاصله‌گذاری‌ها از نظر دانش مغزپژوهی امروز مردود است. این فاصله‌گذاری‌ها و تفاوت‌ها از نظام‌های فرهنگی مبتنی بر تبعیض و نابرابری جنسیتی حاکم در دنیای مردانه شرق و غرب، حاصل شده و به این علت است که موفقیت زن‌ها در ریاضی، همه را متعجب می‌کند، زیرا این انتظار وجود ندارد که زن نیز بتواند همچون مرد به مدارج عالی از فهم ریاضی برسد. این همان دنیایی است که طبق سنت دوگانه‌پندار (دوالیستی) خود برای «طبیعت» ماهیتی جداگانه از «فرهنگ» قائل است. بر این اساس «ذهن» از «تن» و «عقل» از «عاطفه» جدا و برتر شمرده می‌شود. در این میان، زنان، متعلق به دنیای طبیعی (فروست) و کاملاً منگ از دنیای عقل و خرد و منطق و ریاضی (فراست) مردانه هستند. بدیهی است نظام سرمایه‌داری حاکم نیز سودجویی بر پایه تبعیض



✎ **عبدالرحمن نجل‌رحیم**

مغزپژوه

مغز اجتماعی – ۶۴

به مناسبت روز زنان در ریاضیات

ریاضی، زن و مرد نمی‌شناسد

نظرات استعمار نیروی انسانی خود را بر این اساس تنظیم کند، اما در شرایط پرتنش امروز که دادخواهی آگاهانه زنان علیه تبعیض جنسیتی ریشه‌دار، هر روز برطین‌تر می‌شود و در این میان، زنی همچون مریم میرزاخانی از ایران، بزرگ‌ترین جایزه ریاضی جهان (فیلدز) را می‌برد، دستگاه تبلیغاتی ما چاره‌ای جز اسطوره‌سازی از او ندارد. در مقابله با چنین هیاهویی است که پدر فریخته مریم میرزاخانی در مراسم فوت دخترش می‌گوید: «از مریم میرزاخانی ما چیزی یاد نگرفتیم، از مریم اسطوره و بت نسازید، از مریم الگو بگیرید. او مشتی از خروار است». ولی این حرف در جهانی مردانه که هنوز متفكرانش ریاضی را متعلق به جهان انتزاع (مردانه) و منگ و برتر از جهان بیولوژیک و طبیعت (زنانه) می‌دانند، نمی‌تواند مؤثر و راهگشا باشد. جورج لیکاف، زبان‌شناس، با رویکرد علوم شناختی وابسته اشکال هندسی پیچیده قشر مغز نیز به کار گیرد.

در رابطه پیوند طبیعت با ریاضی اگر نخوانیم از نظر جغرافیایی به جاهای دور بریوم و سری و تاریخ خودمان بزنیم، بد نیست به یاد آوریم روز ریاضی ملی ما نیز روز بزرگداشت ریاضی‌دان بزرگ، حکیم عمر خیام است که از طریق شعرهای درخشانی که از او به جا مانده است، می‌توان به‌راحتی دریافت او شاید تنها متفکر طبیعت‌گرای ایرانی باشد که اثری از دوگانه‌پنداری مرسوم این سرزمین، در تفکرات او یافت نمی‌شود. این خود تأییدی بر این مدعاست که ریاضی در عالی‌ترین سطوح خود نیز نمایانگر رابطه پیچیده انسان با طبیعت و فرهنگ نشئت‌گرفته از آن است.

نتایج دانش مغزپژوهی امروز به ما یادآور می‌شود ریاضیات هر چقدر متعالی نیز در مغز ما در طول تجربیات زندگی در پیوند با بدن و محیط زیست ساخته و پرداخته می‌شود. ریاضیات مرزی برای زن و مرد نمی‌شناسد. اما باید مواظب باشیم این نکات ظاهراً ساده و بدیهی از ضمیر آگاه مغز ما نگریزد و تسلیم باورها و تعصبات غلط رایج و مسلط زمان خود نشویم.



به مغزپژوهی امروز، وقتی هر نوع شناخت از جمله ریاضی را در پیوند تن، مغز و جامعه معرفی می‌کند، مجبور است آن را انقلاب دوم در علوم شناختی بنامد زیرا قبل از آن، طبق تفکر دوگانه‌پندارانه، اغلب ریاضی، منگ از کار مغز و تن و منفصل از بیولوژی و طبیعت و متعلق به عالم دیگری دانسته می‌شد. به همین علت است به وقتی کاترین مالابو می‌خواهد از سنت مردانه فلسفه مردانه اروپای قاره‌ای فاصله بگیرد و طبیعت را از فرهنگ جدا نکند، محور کار فلسفی خود را روی خاصیت انعطاف‌پذیری مغز، به عنوان وسیله مقاومت در برابر تفاوت‌های تبعیض‌آمیز و نابرابری‌های جنسیتی و مایه تغییر آنها قرار می‌دهد.نگاهی به سرگذشت و

یادداشت

لزوم فراگیر کردن آموزش همگانی مدیریت بحران

به‌صورت هماهنگ که منجر به هماهنگی بین‌بخشی و فرابخشی شود، یک فرصت مناسب برای استفاده بهینه از منابع و ظرفیت‌ها برای فراگیرکردن آموزش همگانی در بلایای طبیعی است. از جمله این ظرفیت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: وزارتخانه‌های آموزش و پرورش (برای دانش‌آموزان، اولیای مدرسه و خانه)، علوم، تحقیقات و فناوری (برای استادان و دانشجویان)، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (برای استادان، دانشجویان و کارکنان)، دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور و علمی و کاربردی و مؤسسات آموزش عالی آزاد، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان‌های تابعه از جمله بهزیستی، کارگران و... فرهنگ و ارشاد اسلامی (به‌ویژه استفاده از ظرفیت رسانه‌ها برای آموزش و آموزش اصحاب رسانه)، ستاد کل نیروهای مسلح و تمام نهادهای مرتبط (کاردار و سربازان)، صداوسیما (تهیه برنامه‌های مناسب در حوزه آموزش همگانی به‌صورت جذاب و متنوع، آموزش عوامل و...) و سایر سازمان‌ها از قبیل کمیته امداد، شهرداری‌ها، ناجا

• استفاده از ظرفیت بخش‌های غیردولتی: برای فراگیرکردن آموزش همگانی در کشور دولت به تنهایی نمی‌تواند موفق شود. بنابراین ضروری است بسترهای لازم برای استفاده و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های فعال در حوزه‌های مختلف از جمله انجمن‌های مددکاران اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مشاوره، انجمن‌های فصال در حوزه کودکان ونوجوانان و ... که با مردم ارتباط مستمر دارند، فراهم شود. در این صورت هم هزینه دولت کاهش پیدا می‌کند و هم مردم آموزش می‌بینند،بنابراین به فراگیری نزدیک خواهیم شد.

در چند سال اخیر در سطح جهان و سازمان‌های جهانی مرتبط بیشتر شده است. اگرچه این‌گونه به‌به نظر می‌رسد که جمعیت لاهل‌احمر مسئول این نوع آموزش‌هاست ولی برای فراگیری آموزش همگانی در بلایای طبیعی نباید فقط از این جمعیت انتظار داشت. برای فراگیرکردن آموزش همگانی در بلایای طبیعی که معمولاً مردم هم اطلاعات لازم در این زمینه ندارند، لازم است به چند نکته توجه شود:

• حساس‌سازی مسئولان درخصوص اهمیت این نوع آموزش‌ها. بدون شک همکاری مسئولان و بسترسازی برای اجرا و تأمین امکانات و تجهیزات و بودجه و ... مستلزم همکاری مسئولان است. به نظر می‌رسد از گذشته تاکنون بیشترین تمرکز در حوزه مدیریت بحران، روی امدادونجات و بعد از وقوع بحران است. اگرچه این خدمات هم در جای خود بسیار اساسی هستند و نادیده‌گرفتن خدمات ارزنده در این حوزه بی‌انصافی است.

• حساس‌سازی مردم: فراموش نشود محور اصلی و مهم آموزش همگانی «مردم» هستند. بنابراین برای موفقیت فراگیری، مردم باید پای کار باشند. براساس این ارائه اطلاعات درست به مردم درباره اهمیت فراگیری آموزش همگانی و شرکت در آموزش‌ها، رمز موفقیت خواهد بود.

• هماهنگی و همکاری بین‌بخشی و فرابخشی: یکی از نکاتی که در فراگیری آموزش همگانی باید مدنظر قرار گیرد، اتخاذ سازوکارهای مناسب برای ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های مرتبط است تا از همه این ظرفیت‌ها به‌درستی استفاده شود. به‌کارگیری این ظرفیت‌ها



✎ **سیدحسین موسوی‌چلک**

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

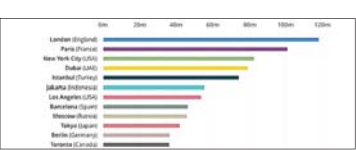
یکی از وظایف حاکمیت در هر کشوری اتخاذ سیاست‌های مناسب برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف و متناسب با شرایط هر کشور است. بالابودن وقوع حوادث و بلایای طبیعی در کشور ما، ایران را به یکی از ۱۰ کشور سانحه‌خیز دنیا مبدل کرده است. طبق برخی آمارهای جهانی، ایران بعد از چین، هند و بنگلادش، چهارمین کشور حادثه‌خیز در آسیا محسوب می‌شود. با وجود پیشرفت علم و تکنولوژی و فناوری‌های نوین، انسان هنوز در مقابل عوارض سوانح و بلایای ناشی از دگرگونی‌های طبیعی مانند سیل، زلزله، توفان و همچنین بلایای غیرطبیعی از قبیل جنگ‌ها، انفجارات، تصادفات و... آسیب‌پذیر است. شواهد نشان می‌دهد بیشتر شهرها و مناطق مهم کشور ما در معرض خطرات جدی حوادث و بلایای طبیعی قرار دارند و به همین دلیل ایران با توجه به شرایط جغرافیایی ویژه، جزء یکی از حادثه‌خیزترین کشورهای دنیا محسوب می‌شود. با توجه به چنین شرایطی برنامه‌ریزی برای بالابردن آمادگی و مهارت‌های مردم در جهت پیشگیری از حوادثی که امکان پیشگیری آنها وجود دارد و مداخله صحیح در بحران‌هایی که قابل‌پیشگیری نیستند، تا به حداقل رساندن پیامدهای منفی در شرایط بحرانی، بیش‌ازپیش در کشور ضروری است. تأملی بر تغییراتی که در سیاست‌گذاری‌های جهانی در این حوزه انجام شده نیز نشان می‌دهد که توجه به موضوع آموزش همگانی

جنسیتی» توضیح می‌دهد اگر دو روان‌شناس ازدواج کرده باشند و بخواهند به فرزندانشان پس‌زمینه فارغ از کلیشه دهند، چه کار سختی در پیش دارند؛ از جمله باید به‌شدت تلاش کنند کار خانگی بین مادر و پدر به‌طور مساوی تقسیم شود (در دنیای واقعی، زنان ۶۰ درصد بیشتر آشپزی، شست‌وشو و مراقبت از کودکان را انجام می‌دهند) و کتاب‌های قصه را طوری سانسور کنند که برتری عدی قهرمانان مرد دیده نشود. کودکان همه جا با موضوع جنسیت روبه‌رو می‌شوند. شروعش قبل از آن است که از رحم خارج شوند: در انجمن‌های والدین، مادران آینده‌کنجکاوند بدانند اگر بچه‌ای که زیاد ورجه وورجه کند، یعنی پسر است (درست نیست اما کلیشه‌های مربوط به فعالیت زیاد مردان در آن مستتر است). در لباس‌هایی که می‌پوشند، مطرح است. در تلویزیون که تماشا می‌کنند... همه اینها یاد می‌دهند که چطور باید پسر یا دختر باشیم. نظرسنجی اخیر انجمن فاوست که من از مدیرانش هستم، نشان داده است بیش از نیمی از افرادی که کلیشه‌های جنسیتی را در دوران کودکی پذیرفته‌اند، در انتخاب شغل خود دچار محدودیت شده‌اند و ۴۴ درصد گفته‌اند این پذیرش به روابط شخصی آنها آسیب زده است.

ما نمی‌دانیم تفاوت‌های جنسیتی رفتاری تا چه اندازه ذاتی و چقدر اکتسابی است، اما می‌دانیم بسیاری از چیزهایی که اساسی و اصولی می‌پذیریم، کاملاً براساخته فرهنگ هستند. قواعد هر چقدر هم متغیر باشند، به شکلی اجتناب‌ناپذیر به قدرت اجتماعی و جنسیت‌گرایی اجتماعی وابسته هستند. کلیشه‌هایی که کودکان را جذب می‌کنند، بزرگ‌سالان را می‌سازند. من در جلوتری از ایجاد کلیشه جنسیتی در فرزند خردسالام شکست خوردم، اما هر فرد – یا حتی خانواده – باید به تنهایی شکست بخورد. گزارش انجمن فاوست نقطه شروع خوبی است. اگر بخواهیم دنیایی عادلانه برای زنان و مردان بسازیم، باید با دختران و پسران شروع کنیم.

شش درجه

شهرهای پرترفدار اینستاگرامی



گرفته است. در اینفوگرافی دیگر معیارهایی نظیر خرید نیز اضافه شده است.جالب‌ترین بخش این تحلیل حضور شهرهای آسیایی و هم‌چوار در کشورهای همسایه ایران است؛ دومی به عنوان بهترین شهر برای حضور زوج‌ها در این دسته‌بندی انتخاب شده و شهر آنتالیا به عنوان یکی از ۱۰ شهر برای انتشار عکس‌های خوش‌منظره انتخاب شده است. استانبول نیز ششمین شهری است که هشتک نامش در اینستاگرام برده شده و در رده ۱۵، منظره و شهر مورد توجه زوج‌ها قرار دارد.برلین به عنوان «پرسلفی‌ترین» مکان جهان در سال ۲۰۱۹ معرفی شده است. جالب‌تر اینکه شهرهای آسیایی نظیر شانگهای، سنول و جاکارتا در رده‌های بعدی قرار دارند و دیگر شهر اروپایی لندن است که در مقام هفتم قرار دارد و تورنتو